

برخی برنامه ها واقعا من را به شدت تحت تأثیر قرار می داد. گاه اتفاق می افتاد با شنیدن غم و گرفتاری یک مهمان، تمام وجودم غصه دار می شد، حتی برخی شب ها با تمام خستگی نمی توانستم از حکایتی که در استودیو دیده بودم، ذهنم را فارغ کنم و گاه بزرگ منشی و کرامت برخی مهمانان مرا تا سر حد گریه تحت تأثیر قرار می داد

بخش  
اول

گفت و گو با امیرمهرداد خسروی، مجری -

# «ارحام»؛ همآوردی احساس



## یک خاطره بازی شیرین

درباره شیرینی ها در برنامه که مصادیق زیادی وجود داشت.

هر برنامه که به صلح و رضایت و آشتی می انجامید، طبیعی بود در دل خودش یک شیرینی دلچسبی داشت چون حتما اطلاع دارید که عموم برنامه ها، پرونده های اختلافی بود که در قوه قضائیه طرح دعوا شده بود و طرفین دعوا با همه تلاشی که برایشان شده بود، پیش از برنامه هرگز راضی به توافق نشده بودند و این گونه پرونده ها توسط خود قوه قضائیه به برنامه ما ارجاع داده می شد. لذا وقتی ما می توانستیم یک پرونده ای را با این سرگذشت به صلح و آشتی برسانیم، واقعا خستگی از تن ما می رفت و بسیار شیرین بود. متقابلا شاهد صحنه های تلخ هم بودیم. وقتی با افرادی مواجه می شدیم که واقعا ذره ای گذشت نداشتند و در حالی که می توانستند خیلی راحت و بدون هزینه مادی یا معنوی سنگین با یک گذشت یا تخفیف، یک انسان یا خانواده ای را نجات بدهند و دلشاد کنند اما از این مهم دریغ می کردند، حقیقتا تلخی غیرقابل وصفی بر کام ما می نشاند یا مواردی که افراد سودجو وقتی طعمه های ساده انگار و در عین حال صادق و پاک و بی بضاعت را شکار می کردند و انسان از این طمع وحشتناک آدم ها مطلع می شد، غم دردناکی را بر احساس ما می نشاند.

با سختی و گرفتاری هست. بعد هم کل قصه، با چشم به هم زدن تمام می شود، با این وصف چرا ما آدم ها باید این قدر خودمان را با سنگدلی و سختگیری بیشتر دچار رنج و گرفتاری کنیم؟ گاهی به عنوان عضوی از جامعه بشری واقعا دلم برای بشریت می سوزد. ما انسان ها خیلی در غفلت هستیم و سراب بودن دنیا را باور نداریم والا این قدر به هم سخت نمی گرفتیم. به همین دلیل در هر برنامه دلم می خواست که به نحوی این پرونده به فرجام خوبی ختم شود و طرفین به صلح و آشتی برسند. وقتی هم در برخی برنامه ها تلاش هایم به ثمر نمی رسید، عمیقاً درونم حس و حال خوبی نداشتم. بر

شیرینی بخشش مدتی است که شده بهانه برنامه های با عنوان «ارحام». این برنامه کاری از گروه علوم قرآنی است که با موضوع ترویج فرهنگ عفو و بخشش و اصلاح ذات البین این روزها از شبکه قرآن پخش می شود. اختلاف در روابط اجتماعی، کاری، خانوادگی، مالی و جرایم عمدی و غیرعمدی عمده موضوعات و پرونده هایی است که در ارحام به آن پرداخته می شود.

ارحام به تهیه کنندگی مهدی خسروی و با اجرای دکتر امیرمهرداد خسروی در ۵۵ قسمت ۵۵ دقیقه ای تولید و در حال پخش است. این هفته سراغ این برنامه رفتیم که رویارویی مهمانانش - که شاک و متشاکی پرونده های قضایی هستند- جالب و دیدنی از آب درآمده است. در قسمت اول گزارش ارحام پای صحبت های امیرمهرداد خسروی، مجری برنامه نشستیم که کار سختی دارد برای برقراری سازش و صلح میان مهمانان برنامه و تلاشی که گاهی با موفقیت همراه می شود و گاهی نمی شود. در گزارش بعدی هم ناگفته های تهیه کننده و سردبیر برنامه یعنی محمد بخشایش را از این تجربه پرفرازونشیب می خوانید.



زینب زارع  
چهارمندان  
روزنامه نگار

**۱) با دشواری که در هر قسمت از ارحام با آن مواجه هستید، شروع کنیم. شما در این برنامه وظیفه ای بیش از یک مجری را دارید. در واقع نقش وکیل هر دو طرف را ایفا می کنید و این همان اتفاقی است که ساده نیست. از هدایت این فضا بگویید.**

همان طور که حتما عنایت دارید، من سال های طولانی است که فعالیت رسانه ای در شبکه های مختلف سیما دارم. گاه در جایگاه مجری و گاه به عنوان مهمان مباحث کارشناسی مرتبط با حوزه مطالعاتی ام را تقدیم مخاطبان عزیز کرده ام. شاید بتوانم بگویم که این توأم بودن هردو نقش، تأثیر تعیین کننده ای برای اداره مجموعه ای با مختصات ارحام را رقم زد. خب طبیعی است از یک سو وظیفه داشتیم تا در قامت مجری نقش حرفه ای ایفا کنم و از سوی دیگر موظف بودم تا محتوا را به نحوی مدیریت کنم که ضمن حفظ سلامت پیام برای مخاطب، در عین حال جاذبه هم داشته باشد. شاید برای تان جالب باشد که بدانید، من مقید بودم قبل از هر برنامه از موضوع دعوا و اختلاف میان طرفین تا حدی مطلع شوم که شرایط پرونده من را محصور در یک کلیشه نکند و تعمد داشتیم به نحوی وارد صحنه نشوم که تصنعی شود. البته کاملا به پرونده ها اشراف داشتیم اما هرگز با سؤال از پیش طراحی شده وارد برنامه نمی شدم. تمام سؤالات، متون پلوتوها و حتی دیباچه های آغاز هر برنامه بدون استثنا محصول اتفاقات لحظه و کاملا بداهه بود. در حین برنامه دغدغه جدی داشتیم از میان روایت شدن رخدادها که توسط مهمانان بیان می شود، سؤال ها را به گونه ای بیرسم که درام و قصه شکل بگیرد تا برای بیننده ایجاد جاذبه کند و صرفاً یک گفت و گوی معمولی نباشد. دشواری این مسأله زمانی پررنگ می شد که با مهمانی مواجه بودیم که فردی کاملاً عادی و طبیعتاً غیرحرفه ای بود و شکل دادن یک درام در روایت آن هم مبنی بر طرح نوع سؤال، واقعا دشوار بود. برخی از آنها واقعا خیلی توان صحبت جلوی دوربین را نداشتند یا فقط با یک کلمه نارسا پاسخ می دادند. با این حال شرایط این گونه گذشت. گرچه معتقدم کاستی های بسیاری در کار من وجود دارد که امیدوارم بینندگان از سرکرامت ببخشند.

**۲) حفظ عدالت در طول این گفت و گوها هم یکی از مهم ترین مسائلی است که اهمیت زیادی دارد. شما چطور روی این خط باریک قدم برمی دارید؟**  
واقعا رعایت عدالت در چنین برنامه ای کار دشواری

**۳) دلسوزی و همراهی با مهمانان هر قسمت هم اتفاقی است که در اجرای شما به چشم می خورد به شکلی که نشان می دهد به دنبال حل مشکل دو طرف هستید. این حس و حال از کجا می آید؟ انگار در هر قسمت خودتان را جای طرفین ماجرا می گذارید. درست است؟**

واقعا خیلی دوست ندارم حرف های شعاری و آنچنانی بزنم. نمی خواهم بگویم خیلی معنوی هستم یا این گونه نقاب های اغواگر به چهره بزنم؛ ولی واقعا این باور را دارم که دنیا ارزش این همه گرفتاری را ندارد. خود دنیا و زیست انسان ها در این دنیا ذاتاً و به اندازه کافی همراه

همین اساس خیلی دوست داشتم تا قدر ممکن اگر بضاعتی دارم، کوتاه نیام و هرطور شده اسبابی فراهم شود تا این دو انسان به صلح برسند و یک جوری همیشه دوست داشتم داد بزنم که به خدا این قدر ارزش ندارد. بیایید کنار هم زندگی را آسان تر کنیم.

**۴) برنامه ای بوده که خودتان هم تحت تأثیر آن قرار بگیرید و هنوز در خاطرتان مانده باشد؟**

بله. البته به طور معمول برنامه ها چون هریک قصه و اتفاقی جدید و متفاوت داشت، برای من هم اثر و پیام های متفاوت خودش را داشت اما برخی برنامه ها من را به شدت تحت تأثیر قرار می داد. گاه اتفاق می افتاد با شنیدن غم و گرفتاری یک مهمان، تمام وجودم غصه دار می شد حتی برخی شب ها با تمام خستگی نمی توانستم از حکایتی که در استودیو دیده بودم، ذهنم را فارغ کنم. و گاه بزرگ منشی و کرامت برخی مهمانان مرا تا سر حد گریه تحت تأثیر قرار می داد. واقعا برنامه ارحام آمیخته ای از همآوردی احساس و عقلانیت انسان ها بود.

**۵) مهمانان در این برنامه با دوربین هم خیلی راحت هستند و بخش زیادی از این جریان مرهون اجرا و هدایت شما در صحنه است. این راحتی و رودریستی ناشن با دوربین را چطور شکل دادید؟**  
خاطرهم هست سال های پیش، به دعوت اداره کل آموزش سیما، دوره هایی را برای مجریان سیما برگزار